

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه / ۱۳۶۹/۰۶/۲۹

تقوای عمومی - تقوای ملت - غیر از تقوای خصوصی یکایک افراد است. تقوای عمومی، یعنی همین که وقتی امام اشاره می‌کردند، ناگهان همه‌ی جامعه به حرکت در می‌آمد. این ملت را با تقوا می‌گوییم. معنایش این نیست که حالا اگر یکایک افراد را در میزان پرهیزگاری و تقوا بگذاریم، آنها را یک پرهیزگار کامل بینیم. نه، اکثرا سرخالی و کسری دارند. مجموعه، یک مجموعه‌ی مومن و متقی است - که البته برای یک ملت، خیلی هم افتخار است - اما یکایک ما باید به فکر خودمان باشیم.

این، مقدمه‌ی سخن بود. حالا به واقعیت نگاه می‌کنیم. واقعیت هم موید این معناست. یعنی امروز جمهوری اسلامی در دنیا، از لحاظ موقعیت انقلابی و سیاسی و نظامی و حیثیتی، یک مجموعه‌ی پیروز به حساب می‌آید. به تعبیر عناصر سیاسی دنیا، دشمن شما آمده در مقابلتان زانو زده است. شما به آن هدفها رسیده‌اید. از کجا به آن هدفها رسیده‌اید؟ از ایمان و تقوا و پابندی. البته بیش از آنچه که بخواهیم بر این معنا استدلال کنیم، بر وجود آن فعل و انفعالات غیبی استدلال می‌کنیم. یعنی عواملی وجود دارند که خارج از محاسبه‌ی انسانند. اگر انسان به خدا توکل کرد، آن محاسبات در خدمت او قرار خواهد گرفت و خدای متعال به او کمک خواهد کرد. خدا به ملت ایران کمک کرد. «و من یتق الله يجعل له مخرجا، و یرزقه من حیث یراهن» و من یتوکل علی الله فهو حسبه».

در نظام جمهوری اسلامی، هیچ‌کس نباید از جاده‌ی تقوای مناسب با شان خودش، خارج بشود. تقوایی که برای مسوولیت فعلی من لازم است - که من واقعا باید به خاطر ضعفها و روسیاهیهای فراوان خودم، به خدا پناه ببرم - با تقوای فلان برادری که فرماندهی یک گردان سپاه است، فرق می‌کند. او در همان حد تقوای خودش باید رعایت بکند. اگر رعایت نکرد، زبردستش می‌تواند مطمئن باشد که فرماندهی او، ادامه پیدا نخواهد کرد. و به همین ترتیب، تا به بالا و به خود این جایی که من نشسته‌ام، برسد. اگر تخلفی انجام بگیرد، بدون این‌که کسی بخواهد دخالتی بکند، خودبه‌خود آن تواناییهایی که خدای متعال داده، مثل برف، زیر خورشید ذوب می‌شود. قوام مسوولیت در این‌جا، به وجود آن شرایط است. اگر در آن شرایط اختلال شد، اصلا خودبه‌خود همه چیز تمام می‌شود. پس، فرض بر این است. در نظام فرماندهی اسلامی، باید سلسله مراتب، دقیق و با خاطر جمعی به این‌که از ناحیه‌ی فرمانده، کاری برخلاف حق انجام نمی‌گیرد و با ترجیح تشخیص او بر تشخیص خود و بیشتر احتمال خطا دادن در خود تا در او، باشد.

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران / ۱۳۷۲/۱۰/۱۵

اگر می‌بینید که مساله‌ی تهاجم فرهنگی یا شیخون فرهنگی یا قتل عام فرهنگی در این کشور به‌شدت از طرف دشمن دنبال می‌شود؛ اگر می‌بینید که تبلیغات دشمن در همه جای دنیا روی جمهوری اسلامی بیش از جاهای دیگر متمرکز است و اگر می‌بینید که دائم تلاش می‌کنند ذهن ملت - بخصوص جوانان و مومنین - را در داخل جمهوری اسلامی تصرف کنند، به همین سبب است. دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان، آسیب‌پذیر است. می‌گویند: «هر انسانی، قابل فاسد شدن است. هر کس باشد، می‌توان فاسدش کرد.» البته راست می‌گویند؛ با یک استثنا: «الا المتقین». متقین را نمی‌توان فاسد کرد. آنها این را؛ یعنی معنای تقوا را دیگر نمی‌فهمند. بله؛ انسانها را می‌توان فاسد کرد و می‌توان زیباییهای دنیا را از طرق نامشروع در جلو چشم آنها به رژه آورد و دلپایشان را برد؛ طوری که همه‌ی ارزشها را دور بربزند و در مقابل جلوه‌های مادی قربانی کنند. اما اگر تقوا نباشد: «الا المتقین». تقوا در قیامت هم اثر می‌کند، در دنیا هم اثر می‌کند، در سیاست هم اثر می‌کند، در حفظ نظام هم اثر می‌کند، در جنگ هم اثر می‌کند. و این را خود شما، درک و لمس کردید و دیدید.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۶/۰۶/۲۶

تقوا در امور زندگی هم اثر می‌بخشد. در این دستگاه عظیم و در این سپاه مقدس - که به تعبیر امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه لشکر امام زمان و لشکر اسلام است - سعی کنید در تمام زوایا تقوا را زنده کنید؛ تقوا در عمل فردی، تقوا در عمل جمعی، تقوای کاری، تقوای سازمانی، تقوای سیاسی - آنجایی که جایش هست - تقوا در عمل فردی خود، در رابطه‌ی با خدا، در رابطه‌ی با انسانها، در رابطه‌ی با بیت‌المال و در رابطه‌ی با کار. اگر این شد، از همه‌ی آنچه که به عنوان برنامه‌ی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از اول تا به‌حال ترتیب داده شده است، و نیز از آنچه که امام بزرگوار ترسیم کرده است و همه‌ی ما ملت ایران آن را پذیرفته‌ایم، به کوری چشم دشمن، یک سر سوزن عقب و جلو نخواهد رفت و همان برنامه‌ها عینا انجام خواهد شد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۰۱/۲۶

ای ملت ایران! ای جوانان عزیز! ای روشنفکران! ای مجموعه‌های سیاسی! «اتقوا الله»؛ از خدا بترسید و پرهیزگار باشید. پیام بزرگ نماز جمعه در هر هفته، تقواست. تقوای خدا به این است که فریب دشمن را نخوریم و تسلیم تحمیل دشمن نشویم. دشمن می‌خواهد بین ما اختلاف بیندازد. دشمن آرزو می‌کند که بین مسوولان اختلاف باشد. دشمن آرزو می‌کند که در ایران جنگ داخلی باشد. دشمن نمی‌تواند ببیند که جمهوری اسلامی توانسته است این کشور را امن و آرام نگه دارد. در هر جایی و به هر بهانه‌ای، چه جهالت کسی یا کسان، چه غرض‌ورزی کسی یا کسان، اگر ماجرای درست کند که امنیت را به هم بزند، دشمن خوشحال می‌شود. نمونه‌اش همین قضایایی است که به مناسبت انتخابات، در یکی، دو شهر اتفاق افتاد که البته یا ناشی از جهالت است، یا غرض. نباید این‌طور می‌شد. کسی که به یک مساله اعتراض دارد، یک راه قانونی وجود دارد. شیشه شکستن و آتش زدن و اموال دولتی و اموال خصوصی را نابود کردن، راه صحیح و عاقلانه‌ای نیست. هیچ کس او را برای این کارها مدح نمی‌کند. هر جایی که اندک چیزی از این قبیل اتفاق افتاد، دستگاه‌های تبلیغی دشمن آن را بزرگ و درشت و تکرار و تشویق کردند! آری؛ دشمن ناامنی را تشویق می‌کند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

در امیرالمومنین عدالت شخصی در حد اعلی بود؛ همان چیزی که از آن به تقوا تعبیر می‌کنیم. همین تقواست که در عمل سیاسی او، در عمل نظامی او، در تقسیم بیت‌المال توسط او، در استفاده‌ی او از بهره‌های زندگی، در هزینه کردن بیت‌المال مسلمین، در قضاوت او و در همه‌ی شوون او خودش را نشان می‌دهد. در واقع در هر انسانی، عدالت شخصی و نفسانی او، پشتوانه‌ی عدالت جمعی و منطقه‌ی تاثیر عدالت در زندگی اجتماعی است. نمی‌شود کسی در درون خود و در عمل شخصی خود تقوا نداشته باشد، دچار هوای نفس و اسیر شیطان باشد، اما ادعا کند که می‌تواند در جامعه عدالت را اجرا کند. چنین چیزی ممکن نیست. هر کس که بخواهد در محیط زندگی مردم منشا عدالت شود، اول باید در درون خود تقوای الهی را رعایت کند. تقوا - به همان معنایی که در ابتدای خطبه عرض کردم - یعنی مراقبت برای خطا نکردن. البته معنای این حرف آن نیست که انسان خطا نخواهد کرد؛ خیر. بالاخره هر انسان غیر معصومی دچار خطا می‌شود؛ اما این مراقبت، یک صراط مستقیم و یک راه نجات است و از عرف شدن انسان جلوگیری می‌کند و به انسان قدرت می‌بخشد. انسانی که مراقب خود نیست و در عمل و کلام و زندگی شخصی خود دچار بی‌عدالتی و بی‌تقوایی است، نمی‌تواند در محیط جامعه منشا عدالت اجتماعی باشد. این جاست که امیرالمومنین علیه‌السلام درس همیشگی خودش را به همه‌ی کسان که در امور سیاسی جامعه‌ی خود نقشی دارند، بیان کرده است: «من نصب نفسه للناس اماما فلیبدا بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره»؛ هر کس که خود را در معرض ریاست، امامت و پیشوایی جامعه می‌گذارد - در هر محدوده‌ای - اول باید شروع به تادیب و تربیت خود کند؛ بعد شروع به تربیت مردم کند. یعنی اول خودش را اصلاح کند، بعد به سراغ دیگران برود. می‌فرماید: «ولیکن تادیبه بسیرته قبل تادیبه بلسانه» اگر می‌خواهد دیگران را تربیت کند، باید با سیره و روش و رفتار خود تربیت کند؛ نه فقط با زبان خود. به زبان بسیار چیزها می‌شود گفت؛ اما آن چیزی که می‌تواند

انسانها را به راه خدا هدایت کند، سیره و عمل کسی است که در محدوده‌ای - چه در آفاق یک جامعه و، چه در محدوده‌های کوچکتر - او را به عنوان پیشوا و معلم و کسی که مردم بنیاد از او پیروی کنند، منصوب کنند. بعد می‌فرماید: «و معلم نفسه و مودبها احق بالاجلال من معلم الناس و مودبهم»؛ کسی که خود را تعلیم می‌دهد و تادیب می‌کند، بیشتر مستحق اجلال و تکریم است، از آن کسی که می‌خواهد دیگران را تادیب کند، در حالی که خودش را تادیب نکرده است. این، منطق و درس امیرالمومنین است. حکومت، فقط فرمانروایی نیست. حکومت، نفوذ در دلها و مقبولیت در ذهنهاست. کسی که در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد یا خود را قرار می‌دهد، اول باید در درون خود به صورت دائمی مشغول تادیب باشد؛ خود را هدایت کند، به خود تذکر دهد و خود را موعظه نماید.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۱/۰۱/۱۴

در روایات ما وارد است که مومنین با یکدیگر تراحم و تعاطف دارند؛ یعنی به هم رحم می‌کنند و با یکدیگر عطف می‌ورزند. این یک وظیفه‌ی اخلاقی است و این امر در پیشرفت و بنای اجتماعی ما تاثیر دارد. به هم رحم کنید. مردم به هم رحم کنند تا خدا هم به آنها رحم کند. وقتی که در دل مردم نسبت به یکدیگر ترحم و عطف و حسن‌ظن و محبت هست، فضای جامعه، فضای بهشت می‌شود. آن‌گاه که در دل افراد، با انگیزه‌های سیاسی یا شخصی، کینه، بددلی و سوظن وجود داشته باشد، فضای جامعه فضایی تاریک و تلخ می‌شود. با هم همکاری کنیم، به هم کمک کنیم، نسبت به یکدیگر گذشت داشته باشیم. مجادلات سیاسی برای کشور زیانبار است. نه فقط امروز که دشمن ما را تهدید می‌کند، بلکه همیشه مضر است؛ برای سازندگی و راه انداختن چرخهای اقتصادی مضر است. اگر بعضیها هر روزی به نحوی مساله‌ی جدیدی درست کنند و افکار عمومی را متوجه به یک مساله‌ی موهوم کنند، اینها به ضرر کشور است. امسال همه، بخصوص گویندگان، نویسندگان، سیاسیون، منبردارها و تریبون‌دارها، تصمیم بگیرند فضا را، فضای محبت و عطف قرار دهند؛ ذهنها و دلها را نسبت به یکدیگر تحریک نکنند؛ در این مملکت کار زیاد داریم. مسوولین کار دارند، دولت کار دارد، دستگاه قضاییه کار دارد، مجلس کار دارد؛ همه کارهای مهم و اساسی دارند؛ همه باید با همه‌ی توان و با همه‌ی وجود تلاش کنیم تا بتوانیم کشور را به سرمنزل امن و سعادت برسانیم و این کاری است ممکن؛ این کاری است ممکن. ما یک ملت بزرگ، دارای عناصر فراوان قدرت در میان خودمان هستیم، ما ایمان داریم، عزم و همت داریم؛ ملت ما این‌گونه است و این را در میدانهای مختلف نشان داده است. جوانان ما هوش و استعداد و ابتکار دارند؛ مسوولین ما علاقه و اخلاص و کارایی دارند. ما باید خیلی زودتر از این و بهتر از این می‌توانستیم کارهایمان را راه بیندازیم. آنچه که به این امر کمک می‌کند عبارت است از آرامش فضای جامعه از لحاظ سیاسی و از لحاظ اجتماعی. این آرامش را حفظ کنیم، این کمک را به خودمان بکنیم، این کمک به خود است و این مصداقی از همان تقوایی است که در صدر عرایض عرض کردم تقوای الهی را پیشه کنیم؛ این مصداق آن تقواست. خدا را شکر می‌کنیم که دل ملت ما را با معرفت خود و با معرف اولیای خود نورانی کرده است. خدا را شکر می‌کنیم که ملت ما را ملت آگاه و حساسی قرار داده است که مسائل مهم جهانی برای او مطرح است؛ مسائل را می‌فهمد و نسبت به حوادث جهانی بی‌تفاوت نیست. این، قدرت تصمیم‌گیری ملت را بالا می‌برد. از این فرصتهای بزرگ بایستی استفاده کنیم.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۱/۰۱/۱۴

پایه‌ی همه‌ی خیرات در جامعه، تقواست. تقوای فردی؛ یعنی هر کس بین خود و خدا سعی کند از جاده‌ی صلاح و حق تخطی نکند و پا را کج نگذارد. تقوای سیاسی؛ یعنی هر کس که در کار سیاست است، سعی کند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند. سیاست به معنای پشت هم اندازی و فریب و دروغ گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست. سیاست یعنی اداره‌ی درست جامعه؛ این جزو دین است. تقوای سیاسی، یعنی انسان در میدان سیاست، صادقانه عمل کند. تقوای اقتصادی؛ یعنی اگر هر کس برای گذران زندگی و ضمناً آباد کردن محیط خود مجبور است تلاش اقتصادی داشته باشد، راه درست را انتخاب کند. غصب کردن، حرام‌خوری، دست‌اندازی به مال دیگران - بخصوص به اموال عمومی - از دست‌آورد عمومی مردم به نفع جیب خود استفاده کردن و احیاناً زرتگیهایی که علی‌الظاهر در چارچوب قانون هم می‌گنجد، اما خود انسان می‌داند که باطن آن چقدر فاسد و تباه است، اینها خلاف تقوای اقتصادی است. تقوای اجتماعی؛ یعنی برخورد با مردم در محیطهای مختلف - چه محیط کسب، چه محیط معاشرت، چه محیط خانواده، چه محیط مدرسه و دانشگاه، چه محیط اداری - همراه با انصاف و خدا ترسی و امانت و صداقت باشد. اگر این نمونه‌ها در جامعه تحقق پیدا کند و عملی شود، اکثر مشکلات مادی و معنوی مردم برطرف خواهد شد. تقوا و پرهیزکاری، یعنی گستره‌ی وسیع عملهای خوب، اقدامهای خوب، فعلهای خوب و ترکهای خوب.

بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه / ۱۳۸۱/۰۵/۰۵

پایه‌ی همه‌ی خیرات در جامعه، تقواست. تقوای فردی؛ یعنی هر کس بین خود و خدا سعی کند از جاده‌ی صلاح و حق تخطی نکند و پا را کج نگذارد. تقوای سیاسی؛ یعنی هر کس که در کار سیاست است، سعی کند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند. سیاست به معنای پشت هم اندازی و فریب و دروغ گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست. سیاست یعنی اداره‌ی درست جامعه؛ این جزو دین است. تقوای سیاسی، یعنی انسان در میدان سیاست، صادقانه عمل کند. تقوای اقتصادی؛ یعنی اگر هر کس برای گذران زندگی و ضمناً آباد کردن محیط خود مجبور است تلاش اقتصادی داشته باشد، راه درست را انتخاب کند. غصب کردن، حرام‌خوری، دست‌اندازی به مال دیگران - بخصوص به اموال عمومی - از دست‌آورد عمومی مردم به نفع جیب خود استفاده کردن و احیاناً زرتگیهایی که علی‌الظاهر در چارچوب قانون هم می‌گنجد، اما خود انسان می‌داند که باطن آن چقدر فاسد و تباه است، اینها خلاف تقوای اقتصادی است. تقوای اجتماعی؛ یعنی برخورد با مردم در محیطهای مختلف - چه محیط کسب، چه محیط معاشرت، چه محیط خانواده، چه محیط مدرسه و دانشگاه، چه محیط اداری - همراه با انصاف و خدا ترسی و امانت و صداقت باشد. اگر این نمونه‌ها در جامعه تحقق پیدا کند و عملی شود، اکثر مشکلات مادی و معنوی مردم برطرف خواهد شد. تقوا و پرهیزکاری، یعنی گستره‌ی وسیع عملهای خوب، اقدامهای خوب، فعلهای خوب و ترکهای خوب.

بیانات در دیدار مردم قزوین / ۱۳۸۲/۰۹/۲۵

در دمکراسیهای غربی، صلاحیتهای خاصی مورد نظر است که عمدتاً در این صلاحیتهای حزبی رعایت می‌شود. هم کسانی که نامزد می‌شوند، هم آنهایی که نامزد می‌کنند و هم آنهایی که به نامزدها رای می‌دهند، در واقع به این حزب یا به آن حزب رای می‌دهند. حالا در آن کشورهایی که دو حزبی است، مثل امریکا و انگلیس و یا در کشورهایی که چند حزبی است، به یکی از این دو یا چند حزب رای می‌دهند. در نظام جمهوری اسلامی غیر از دانایی و کفایت سیاسی، کفایت اخلاقی و اعتقادی هم لازم است. افرادی نگویند که اخلاق و عقیده مساله‌ی شخصی انسانهاست. بله، اخلاق و عقیده مساله‌ی شخصی انسانهاست؛ اما نه برای مسوول. من اگر در جایگاه مسوولیت قرار گرفتم و اخلاق زشتی داشتم؛ فهم بدی از مسائل جامعه داشتم و معتقد بودم که باید جیب خود را پر کنم، نمی‌توانم به مردم بگویم این عقیده و اخلاق شخصی من است و اخلاق و عقیده ربطی به کسی ندارد! برای یک مسوول عقیده و اخلاق مساله‌ی شخصی نیست؛ مساله‌ی اجتماعی و عمومی است؛ حاکم شدن بر سرنوشت مردم است. آن کسی که به مجلس می‌رود، یا به هر مسوولیت دیگری در نظام جمهوری اسلامی می‌رسد، اگر فاسد، بیگانه‌پرست و در خدمت منافع طبقات برخوردار جامعه بود، دیگر نمی‌تواند نقشی را که ملت و طبقات محروم می‌خواهند، ایفا کند. اگر آن شخص انسان معامله‌گر، رشوه و توصیه‌پذیر و مرعوبی بود؛ در مقابل تشر تبلیغات و سیاستهای خارجی جا زد، دیگر نمی‌تواند مورد اعتماد مردم قرار گیرد و برود آنجا بنشیند و تکلیف ملک و ملت را معین کند. این شخص غیر از کفایت ذاتی و دانایی ذاتی، به شجاعت اخلاقی، تقوای دینی و سیاسی و عقیده‌ی درست هم احتیاج دارد.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۵

به تاریخ و به زشت‌روها و بدکارهای آن نگاه کنید؛ اینها هم انسان بودند. هیچ‌کس بد به دنیا نمی‌آید؛ اما باید مراقب بود که زاویه‌های انحراف در خط مستقیم ما به‌وجود نیاید. توصیه مهم من به شما این است: مسائل سیاست خارجی - چه مسائل کلی و چه مسائل مصداقی و جزئی سیاست خارجی - را در بحث و مداخله و استدلال و گفتگو می‌شود حل کرد؛ اما آنچه که اگر خود ما تصمیم نگیریم، حل نشدنی است، این مساله است: اگر درون خودمان را مستحکم نکنیم، اگر پایه‌های تقوا را در دل و در جان خودمان و به تبع آنها در اعمال خودمان مستحکم نکنیم، هر عقیده‌ی که داشته باشیم، هر سیاستی را که قبول داشته باشیم، نخواهیم توانست آن را بدرستی محقق کنیم. گاهی همین انحراف درونی، دید ما را نسبت به مسائل عوض می‌کند؛ ایمان و عقیده‌ی ما را تغییر می‌دهد. به‌هرحال، عدم پرهیز در عمل، به اعتقاد سرایت می‌کند، که این مضمون آیات متعددی از قرآن کریم است. در قرآن به کسانی که اهل دنیاطلبی و اهل لذت‌محوری و اهل تن دادن به شهوات و هواهای نفسانی - از هر نوع - هستند، هشدار داده شده که مراقب باشید؛ زیرا این حالت در دل، فکر، ذهن و در ایمان شما رخنه ایجاد خواهد کرد، که باید به خدا پناه برد و از او کمک خواست.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۸

جوانهای عزیز من! نوبت شماست. جوانهای قبل از شما هر چه نفس داشتند، در این راه زدند و ما را به این‌جا رساندند؛ امروز نوبت جوانهای ماست. در میدان علم، در میدان عمل، در میدان تقوا، در میدان سیاست، در میدان کار برای مردم و خدمت، و در میدان شایستگی‌های گوناگون وارد شوید؛ خودتان را به صلاح و تقوا بیارید و پیش بروید.

خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۸/۰۶/۲۰

سلوک سیاسی امیرالمومنین از سلوک معنوی و اخلاقی او جدا نیست؛ سیاست امیرالمومنین هم، آمیخته‌ی با معنویت است، آمیخته‌ی با اخلاق است، اصلا منشا گرفته‌ی از معنویت علی و اخلاق اوست. سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد، از معنویت سیراب بشود، برای مردمی که مواجه با آن سیاستند، وسیله‌ی کمال است، راه بهشت است؛ اما اگر سیاست از اخلاق جدا شد، از معنویت جدا شد، آن وقت سیاست‌ورزی میشود؛ یک وسیله‌ای برای کسب قدرت، به هر قیمت؛ برای کسب ثروت، برای پیش بردن کار خود در دنیا. این سیاست میشود آفت؛ برای خود سیاست‌ورز هم آفت است، برای مردمی هم که در عرصه‌ی زندگی آنها این سیاست ورزیده میشود هم آفت است.

امیرالمومنین این حکومتی را که در آن سه جنگ مفصل نظامی با هزارها کشته اتفاق افتاد - شما در نهج البلاغه نگاه کنید - با تعبیراتی معرفی میکند که نشان‌دهنده‌ی تحقیر او نسبت به این حکومت است. یک وقت او را - در خطاب به ابن‌عباس - از بند کفش کهنه‌ی وصله‌زده‌ی خود بی‌ارزشتر معرفی میکند. یکجا درباره‌ی همین حکومت میفرماید: «لألفیتم دنیاکم هذه ازهد عندی من عطفه عنز»؛ آن رطوبتی که از عطسه‌ی یک بزغاله حاصل میشود چقدر ارزش رطوبتی و حیاتی دارد؟ هیچ. میفرماید: این حکومت، این قدرت، نشستن بر این اریکه برای علی، از این کمتر و کم‌اهمیت‌تر است. یک جا در همان خطبه برای اینکه چرا این حکومت را قبول کرد، استدلال میکند: «لو لا حضور الحاضر و قیام الحجج بوجود الناصر»؛ دیدم مردم آمدند، اصرار میکنند، نصرت خودشان را عرضه میکنند، قبول کردم. باز در مقام استدلال: «و ما اخذ الله علی العلما ان لا یقاروا علی کظه ظالم و لا سغب مظلوم»؛ میفرماید: خدای متعال بر عالمان، بر دانایان عالم، تکلیف معین کرده است که بر سیری ظالم و تهدستی و گرسنگی مظلوم صبر نکنند، تحمل نکنند. اینهاست چیزهایی که امیرالمومنین را به سمت حکومت میکشاند، یا در مقابل کسانی که علیه او بغی میکنند، به مقاومت، به ایستادگی، به حتی جنگ نظامی میکشاند؛ والا حکومت برای امیرالمومنین ارزشی ندارد.

در این سیاست‌ورزی، امیرالمومنین یکی از خصوصیاتش این است: از مکر و فریب دور است. در یک جمله‌ای از حضرت نقل شده که: «لو لا التقی لکت ادهی العرب»؛ اگر تقوا دست و پای مرا نمی‌بست، از همه‌ی آحاد و مکاران عرب، مکر و حيله را بهتر بلد بودم. یک جای دیگر در مقام مقایسه‌ی معاویه با خودش - چون معاویه به دها و مکر در حکومت معروف بود - به حسب آنچه که نقل شده، فرمود: «والله ما معاویه بادهی منی» معاویه از من زرنگتر نیست. منتها علی چه کند؟ وقتی بنای بر رعایت تقوا و رعایت اخلاق دارد، دست و زبانش بسته است. روش امیرالمومنین این است. تقوا که نبود، دست و زبان انسان باز است، میتواند همه چیز بگوید، خلاف واقع میتواند بگوید، تهمت میتواند بزند، دروغ به مردم میتواند بگوید، نقض تعهدات میتواند بکند، دلبستگی به دشمنان صراط مستقیم میتواند پیدا کند. وقتی تقوا نبود، اینجوری است. امیرالمومنین میفرماید: من سیاست را با تقوا انتخاب کردم، با تقوا اختیار کردم؛ این است که در روش امیرالمومنین، مکاری و حيله‌گری و کارهای کثیف و این چیزها وجود ندارد؛ پاکیزه است.

یکی از خطرهای جدائی دین از سیاست که عده‌ای آن را همیشه در دنیا اسلام ترویج میکردند - در کشور ما هم بود، امروز هم مناسفانه بعضی نغمه‌هایی را در جدائی دین از سیاست بلند میکنند - همین است که وقتی سیاست از دین جدا شد، از اخلاق جدا خواهد شد، از معنویت جدا خواهد شد. در نظامهای سکولار و بی‌ربطه‌ی با دین، اخلاق در اغلب نزدیک به همه‌ی موارد، از بین رفته است. حالا یک وقت استثنا در جانی یک عمل اخلاقی دیده بشود، این ممکن است؛ استثنا است. وقتی دین از سیاست جدا شد، سیاست میشود غیر اخلاقی، مبنی بر همه‌ی محاسبات مادی و نفع‌طلبانه. سلوک سیاسی امیرالمومنین بر پایه‌ی معنویت است و از سلوک معنوی او جدا نیست.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۹/۰۵/۲۷

در باب تقوا من یک جمله‌ای اینجا یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم. غالباً وقتی گفته میشود تقوا، پرهیزگاری، ذهن انسان می‌رود به رعایت ظواهر شرع و محرمات و واجباتی که دم دست ماست؛ نماز بخوانیم، وجوهات شرعی‌مان را بدهیم، روزه بگیریم، دروغ نگوئیم. البته اینها مهم است، همه‌اش مهم است؛ لیکن تقوا ابعاد دیگری هم دارد که غالباً ما از اینها غفلت میکنیم. در دعای شریف مکارم الاخلاق یک فقره‌ای در توضیح این ابعاد دیگر هست: «اللهم صل علی محمد و اله و حلنی بحلیه الصالحین و البسنی زینه المتقین»؛ (۱) از خدای متعال درخواست میکند که پروردگارا! مرا با زیور صالحان زیور بده و با لباس پرهیزگاران ملبس کن. خوب، این لباس پرهیزگاران چیست؟ آن وقت این شرح جالب است: «فی بسط العدل»؛ لباس پرهیزگاران در گستردن عدالت، «و کظم الغیظ»؛ در فرو بردن خشم، «و اطفا النائر»؛ در فرو نشاندن آتش؛ آتشی که بین افراد جامعه برمی‌افروزند. اینها تقواست. «و ضم اهل الفرقه»؛ افرادی که از شمایند، اما جدا شدند، سعی کنید اینها را گرد بیاورید. این جزو موارد تقواست، که در دعای شریف مکارم الاخلاق - دعای بیستم صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجاده - به آن اشاره شده است. این دعا، بسیار دعای مهمی است. من عقیده‌ام این است که همه، بخصوص کارگزاران، باید این دعا را بخوانند و در مضامینش دقت کنند؛ تعلیم‌دهنده است. «و اصلاح ذات البین»؛ به جای آتش‌افروزی، خیرچینی، این را به جان آن انداختن، آن را در پوستین این انداختن، اصلاح ذات‌البین کنند؛ بین برادران مومن، برادران مسلمان، ایجاد ائتلاف کنند؛ اینها تقواست.

ببینید، اینها همه، مسائل امروز ماست. گستردن عدالت، عدالت قضائی، عدالت اقتصادی، عدالت در گزینشها، عدالت در تقسیم منابع و فرصتهای کشور بین گروه‌ها، عدالت جغرافیائی، اینها مسائل خیلی مهمی است؛ اینها همه نیازهای ماست. گستردن عدالت، بالاترین رقمهای تقواست؛ این از یک نماز خوب، از یک روزه‌ی روز گرم تابستان بالاتر است. روایتی است که فرمود: هر امیری - امیر یعنی همه‌ی شماها؛ هر کسی یک دستگاهی دارد که در آن فرمان میراند، حکم او در آنجا نافذ است - که روزی را به عدالت حکم کند، مثل این است که هفتاد سال عبادت کرده: (۲) اینها خیلی مسائل مهمی است؛ اهمیت عدالت را، رفتار عدالت‌آمیز را به ما نشان میدهد.

فرو بردن خشم در مقابل دوستان، بحث اینجا دوستان است. البته در مقابل دشمنان باید غیظ داشت؛ «و یدهب غیظ قلوبهم». در مقابل آن دشمنی که با هویت شما، با موجودیت شما مخالف است، آنجا خشم میشود خشم مقدس؛ آن اشکالی ندارد. نه، در جمع مومنین، در بین افرادی که مامور به رفتار مسلمانان با آنها هستیم، خشم و حالت عصبانیت نباید باشد. خشم به انسان ضرر میزند. تصمیم‌گیری با خشم مضر است، حرف زدن با خشم مضر است، کار کردن با خشم مضر

است، غالباً دچار غلط و اشتباه است؛ این چیزی است که ماها متاسفانه خیلی ابتلا پیدا میکنیم. جلوگیری از این خشم، خشمی که موجب انحراف میشود، موجب خطای در فکر و عمل میشود، یکی از موارد تقواست؛ «و کظم الغیظ» کار دیگر، «اطفا للنائرة»، بعضی‌ها آتش‌افروزی‌های سیاسی و جناحی میکنند. عده‌ای کانه برای این کار ماموریت دارند. من می‌بینم در داخل کشور خودمان که یک عده‌ای میخواهند اصلاً عناصر گوناگون را، جناح‌های مختلف را، افرادی از هر یک از جناح‌ها را به جان هم بیندازند و اختلاف ایجاد کنند؛ کانه اصلاً از آتش‌افروزی خوششان می‌آید؛ این خلاف تقواست. تقوا این است: «اطفا للنائرة». همچنان که در یک محیط مادی و فضای مادی، شما یک آتش‌افروزی را اطفا میکنید، باید در فضای انسانی و معنوی و اخلاقی هم آتش‌سوزی‌ها را مهار و اطفا کنید. و همین طور: «و ضم اهل الفرقة» ما عرض کردیم جذب حداکثری، دفع حداقلی. البته معیار و میزان، اصول و ارزش‌هاست. انسانها از لحاظ ایمان در یک حد نیستند. ما در بین خودمان آدم‌هایی داریم ضعیف‌الایمان، آدم‌هایی داریم که ایمانشان قوی‌تر است. باید راه بیابیم. نمیشود ضعیف‌الایمان را دفع کرد، نمیشود فقط به کسانی چشم دوخت که قوی‌الایمانند؛ نه، ضعفا را هم باید در نظر داشت. کسانی که خودشان را قوی میدانند، آن کسانی را که ضعیف میدانند، ملاحظه کنند، مراعات کنند، دفع نکنند. آن کسانی که جزو مجموعه هستند، لیکن بر اثر اشتباه و غفلت کنار افتادند، جدا افتادند، اینها را به خود بیاورند؛ اینها را نصیحت کنند، دلالت کنند، راه را به آنها نشان بدهند، آنها را برگردانند. اینها مسائل اساسی است.

پس اینها شد تقوا، اینها شد راه‌های توبه و انابه؛ «شهر التوبه»، «شهر الانابه» (۳). منتها جالب این است که روزه و این ماه، یک عمل جمعی است؛ یک عمل فردی نیست. یعنی همه روزه‌ایم، همه داخل این ماهیم، همه سر این سفره نشستیم؛ همه‌ی افراد جامعه‌ی اسلامی، امت اسلامی. وقتی که میخواهیم این نصایح را، این توصیه‌های مهم کتاب و سنت را عمل کنیم، اگر همه خود را مخاطب آن بدانیم، ببینید در دنیا اسلام چه اتفاقی می‌افتد؛ در دایره‌ی محدودتر در کشور چه اتفاقی می‌افتد. قدر این ماه را باید دانست. قدر دانستنش هم به همین است که واقعا ماه را ماه توبه قرار بدهیم، ماه انابه قرار بدهیم، ماه تطهیر قرار بدهیم، ماه تمحیص قرار بدهیم؛ برویم به سمت این چیزها. خوب، حرف اصلی ما، عرض اصلی ما توی این جلسه همین بود که عرض کردیم.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

الحمد لله رب العالمین احمده و اشکره و استعینه و استغفره و اتوکل علیه و اصلی و اسلم علی حبیبه و خیرته فی خلقه حافظ سره و مبلغ رسالته بشیر رحمته و نذیر نعمته سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا ابی‌القاسم المصطفی محمد و علی اله الاطیبین الاطهرین و صحبه المنتجبین و من تبعهم باحسان الی یوم الدین و صل علی ائمه المسلمین و حمایه المستضعفین و هده المومنین و صل علی بقیه‌الله فی الارضین. «اوصیکم عبادالله بتقوی الله و نظم امرکم.» (۱)

همه‌ی برادران و خواهران عزیز نمازگزار و خود را دعوت و توصیه میکنم به حفظ تقوای الهی؛ این اصل حرکت یک انسان به سمت کمال و تعالی است. اگر به توفیق الهی بتوانیم در عمل فردی، در عمل جمعی، در کار سیاسی، در کار اجتماعی، رعایت تقوای الهی را بکنیم، همه‌ی خیرات و همه‌ی الطاف الهی شامل حال ما خواهد شد.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

همه‌ی برادران و خواهران عزیز نمازگزار و خود را دعوت و توصیه میکنم به حفظ تقوای الهی؛ این اصل حرکت یک انسان به سمت کمال و تعالی است. اگر به توفیق الهی بتوانیم در عمل فردی، در عمل جمعی، در کار سیاسی، در کار اجتماعی، رعایت تقوای الهی را بکنیم، همه‌ی خیرات و همه‌ی الطاف الهی شامل حال ما خواهد شد.

دیدار جمعی از اینارگران دوران دفاع مقدس با رهبر انقلاب / ۱۳۹۱/۰۲/۲۹

در فضای امروز کشور اگر بر اصول و ارزش‌ها پافشاری کردید و تقوا را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رعایت کردید، ارزش و اهمیت والاتری دارد.

پیام به مناسبت آغاز به کار پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۵/۰۳/۰۴

تشخیص وجود و بقای این صلاحیتها برعهده‌ی این مجلس معظم است و این، به نوبه‌ی خود مسئولیت‌های بزرگی را متوجه آن می‌سازد؛ آشنایی با جایگاه جمهوری اسلامی در دنیا کنونی؛ توجه به پدیده‌ی جذاب مردم‌سالاری دینی در میان انبوه شیوه‌های گوناگون حکومت که در آنها یا معنویت و دین، یا مردم، یا هر دو قربانی شده‌اند؛ توجه به نقش بی‌مانند ایمان و باورهای برآمده از معارف اسلامی در نوع‌گزینش‌های مردمی؛ توجه به تاثیر تقوای فردی و سیاسی شخص رهبر در حفظ اعتماد مردم و سلامت و صلابت و استواری نظام. اینها بخشی از مسئولیت‌های این مجلس معظم را که متشکل از فقهای مردمی و اثرگذار است، یادآور میشود و ادای آن را مطالبه میکند. هر یک از سرفصل‌های مذکور متضمن وظایفی است که حسن انجام آن، کشور و نظام را به صلاح و سداد رهنمون می‌گردد و رهبر را در ادای آن مسئولیت بزرگ و بی‌همتا مدد میرساند.

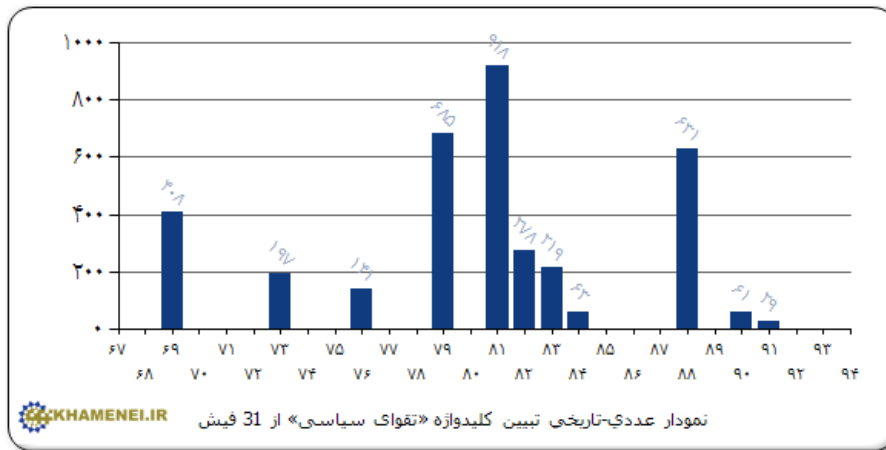
بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

یک تقوای فردی داریم که من و شما خودمان از گناه پرهیز کنیم، خودمان را حفظ کنیم؛ قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره؛ (۱) خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ این تقوای فردی است. تقوای اجتماعی - تقوای اسلامی مربوط به اجتماع- این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم. همه‌ی آن آرمان‌هایی که عرض کردیم، آرمان‌های اسلامی است؛ یعنی مسئله، فقط مسئله‌ی یک محاسبه‌ی عقلانی نیست؛ اینکه ما عرض کردیم باید به آن آرمانها پایبند بود، باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، اینها همه مطالبات اسلامی است، اسلام اینها را از ما خواسته است؛ این‌جور نیست که فقط یک محاسبه‌ی عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است. هرکسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را نشناخته است؛ هرکسی حوزه‌ی معرفتی اسلام را و حوزه‌ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را نشناخته است. قرآن به ما میگوید: اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت؛ (۲) عبودیت خدا - یعنی تسلیم در مقابل خدا بودن- و اجتناب از طاغوت، و در آیه‌ی دیگر [میگوید]: الذین امنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطن ان کید الشیطن کان ضعیفاً؛ (۳) اینها دستور قرآن است. اینکه ما خودمان را و مردمان را و جوانانمان را و مسئولینمان را به احساس مسئولیت در مقابل این حرفها فرا میخوانیم، فقط یک توصیه‌ی عقلانی نیست، یک توصیه‌ی سیاسی نیست؛ این یک خواست دینی است؛ رعایت آن، تقوای دینی است. این تقوای دینی است؛ تقوای سیاسی هم در داخل همین مندرج است؛ اگرچنانچه این تقوای دینی تحقق پیدا کرد، تقوای سیاسی هم همراه همین است. تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن میتواند از آن استفاده کند، پرهیز بکند.

بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

اینکه ما خودمان را و مردمان را و جوانانمان را و مسئولینمان را به احساس مسئولیت در مقابل این حرفها فرا میخوانیم، فقط یک توصیه‌ی عقلانی نیست، یک توصیه‌ی سیاسی نیست؛ این یک خواست دینی است؛ رعایت آن، تقوای دینی است. این تقوای دینی است؛ تقوای سیاسی هم در داخل همین مندرج است؛ اگرچنانچه این تقوای دینی تحقق پیدا کرد، تقوای سیاسی هم همراه همین است. تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن میتواند از آن استفاده

کند، پرهیز بکند.



مقالات مرتبط با کلیدواژه «تقوای سیاسی» :

تقوای سیاسی در نهج‌البلاغه / نویسنده : محمدهادی عبدخدایی / ۱۳۷۹/۰۷/۰۱

تقوای سیاسی در مکتب امیرمومنان(ع) / نویسنده : جاسم ریحانی / ۱۳۷۹/۰۹/۰۱